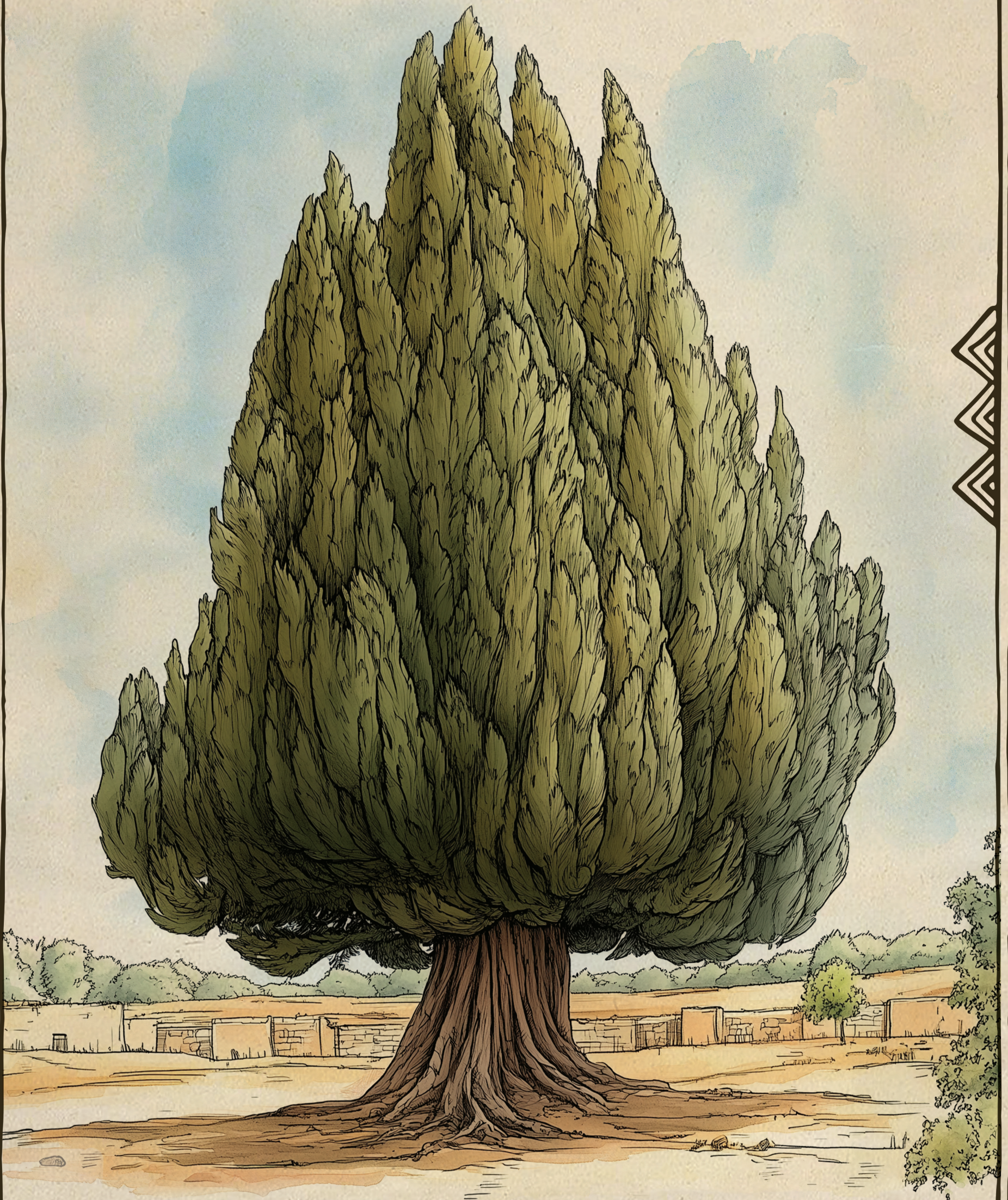


مجموعه نمایشگاهی حکایت سرو



ریشه‌ها

پدران ما طبیعت را می‌ستودند و زندگانی را دوست داشتند. آن‌ها درختان را مظهر طبیعت و سرو را سرور درختان می‌دانستند؛ درختی که نه خم می‌شود و نه زرد؛ ایستاده است و آزاده. در ابرکوه یزد، یادگاری زنده از گذشتگان ما همچنان، پای در خاک دارد و سر، در آسمان. قدیمی‌ترین هم‌وطن ما، چهار هزار ساله است.



* بازآفرینی تصویری از سرو ابرکوه قدیمی‌ترین موجود زنده ایران با قدمت بیش از چهار هزار سال.

هگمتانه

نیاکان ما، اولین پایتخت این وطن را حلقه در حلقه ساختند؛ تو در تو. آن گونه که برای مردمان، زیبا و ایمن باشد و برای دشمنان، سخت و تسخیرناپذیر. شهری که انسان و طبیعت در آن ببالند و بیارامند.
در دامنه کوه الوند، قدیمی ترین پایتخت ایران، همدان سه هزار ساله، همچنان سبز و سرزنده است.



* بازآفرینی تصویری از شهر هگمتانه در همدان، نخستین پایتخت مادها.

پارسه»

پس آن‌گاه که ایرانیان مرزهای این وطن را از هند تا مصر گسترده کردند، در قلب این فرمانروایی در دشت فارس، شهری ساختند افسانه‌ای و آن را پارسه نامیدند.

قصرهای باشکوهی که در خاک پارسه، یکی بعد از دیگری روییدند را مردمان ایرانی و طوایف غیرایرانی در کنار هم برپا کردند و هرکدام از اثر دست هنرمند خود بر آن یادگاری بجا گذاشتند که هنوز در مرودشت شیراز، دیدنی و ستودنی است.



* بازآفرینی تصویری از ساخت دروازه تخت جمشید با شیر بالدار یادگار شکوه هخامنشیان.

مقاومت آریوبرزن

آبادی شهرها و برکت روستاهای این سرزمین، همیشه چشم طمع دشمنان را خیره و شمشیرهایشان را برای تصرف خاک آن تیز کرده است.

روزی که اسکندر مقدونی از مغرب زمین عزم تسخیر ایران کرد، عده‌ای از مقابل او گریختند و گروهی دیگر در درّه‌ها و تنگه‌های زاگرس، راه را بر او بستند و تا پای جان، از وطن خود پاسداری کردند. هرچند که دشمن غالب شد، اما سربلندی و نام‌آوری، از آن دلاوران و مجاهدان بود.



* بازآفرینی تصویری از نبرد آریوبرزن و ایستادگی در برابر سپاه اسکندر.

► پایان سلطه

خاک این وطن، زیر چکمه بیگانگان نمی ماند. هر قدر هم که سلطه گر قوی باشد و ظلم او گسترده، همچون اسکندر و اسکندریان، در نهایت این مردمان ایران هستند که زمین خود را پس می گیرند و سرزمین خود را آباد می کنند. بعد از یک قرن سلطه غربی ها، این پهلوانان پارتی بودند که شهر به شهر ایران زمین را از سلوکیان پس گرفتند و با رنج و تدبیر، فرمانروایی بزرگی برپا کردند که صدها سال از این آب و خاک محافظت کرد.



* بازآفرینی تصویری از پرچم ایرانیان پیروز بر فراز کلاه خود شکسته جانشینان اسکندر.

سورنا

ایران در قلب جغرافیای تاریخ ایستاده و هر گاه قوی بوده، از شرق با هند و چین و از غرب با یونان و روم همسایه شده است. ایران قوی چاره‌ای نداشته جز آن‌که از مرزهای خود در مقابل همسایگان قدرتمند محافظت کند. جنگ‌های طولانی ایران و روم، فراز و فرودهای فراوانی داشته؛ گاهی با سستی فرمانروایان، عقب نشستیم و گاهی با درایت فرماندهان، دشمن را به زانو درآورده‌ایم. چنانکه در نبرد حران، سورنای پهلوان، کمر لشکر عظیم روم را شکست و کراسوس و فرمانده‌هایشان را به خاک انداخت و هزاران هزار سرباز مهاجم را به اسارت گرفت.



* بازآفرینی تصویری از تیرانداز پارتی در نبرد حران، زمانی که سورنا ارتش روم را شکست داد.

» روم در زنجیر

اوج دلاوری جنگاوران ایرانی در عهد باستان، درهم شکستن سپاه روم و به اسارت گرفتن امپراتور دشمن است. والرین، تنها امپراتور در تاریخ روم است که بعد از شکست در یک جنگ، اسیر می‌شود و در اسارت می‌میرد. این پیروزی بزرگ، آن قدر ارزشمند است که به دستور فرمانروایان ایران، چندین سنگ‌نوشته و نقاشی روی دیوار کوه‌ها و غارها به یاد این واقعه ساخته می‌شود که تا امروز هم بر جای مانده و دیدنی است.



* بازآفرینی تصویری از اسارت امپراتور روم به دست شاپور یکم ساسانی.

اسلام

مردمان این آب و خاک با آسمان پیوندی دیرینه داشته‌اند. چه آن زمان که خورشید و آب و آتش را به عنوان مظاهر آفریدگار دانا می‌شناختند؛ و چه وقتی که اشوزرتشت و بعدها عیسی مسیح را پیام‌آورنده از جانب اهورامزدا و یزدانِ دادار می‌دانستند. پیام آخرین فرستادهٔ خدا زمانی به ایران رسید که سستی فرمانروایان و ظلم حاکمان، امید مردم به آسمان را بریده بود. «لااله الا الله» پیامی آشنا بود برای آزادگان و «محمد رسول الله» سیمایی آشنا برای جوانمردان. ایرانیان، اسلام را در آغوش کشیدند؛ همچنان که تشنه‌ای، چشمه‌ای را.

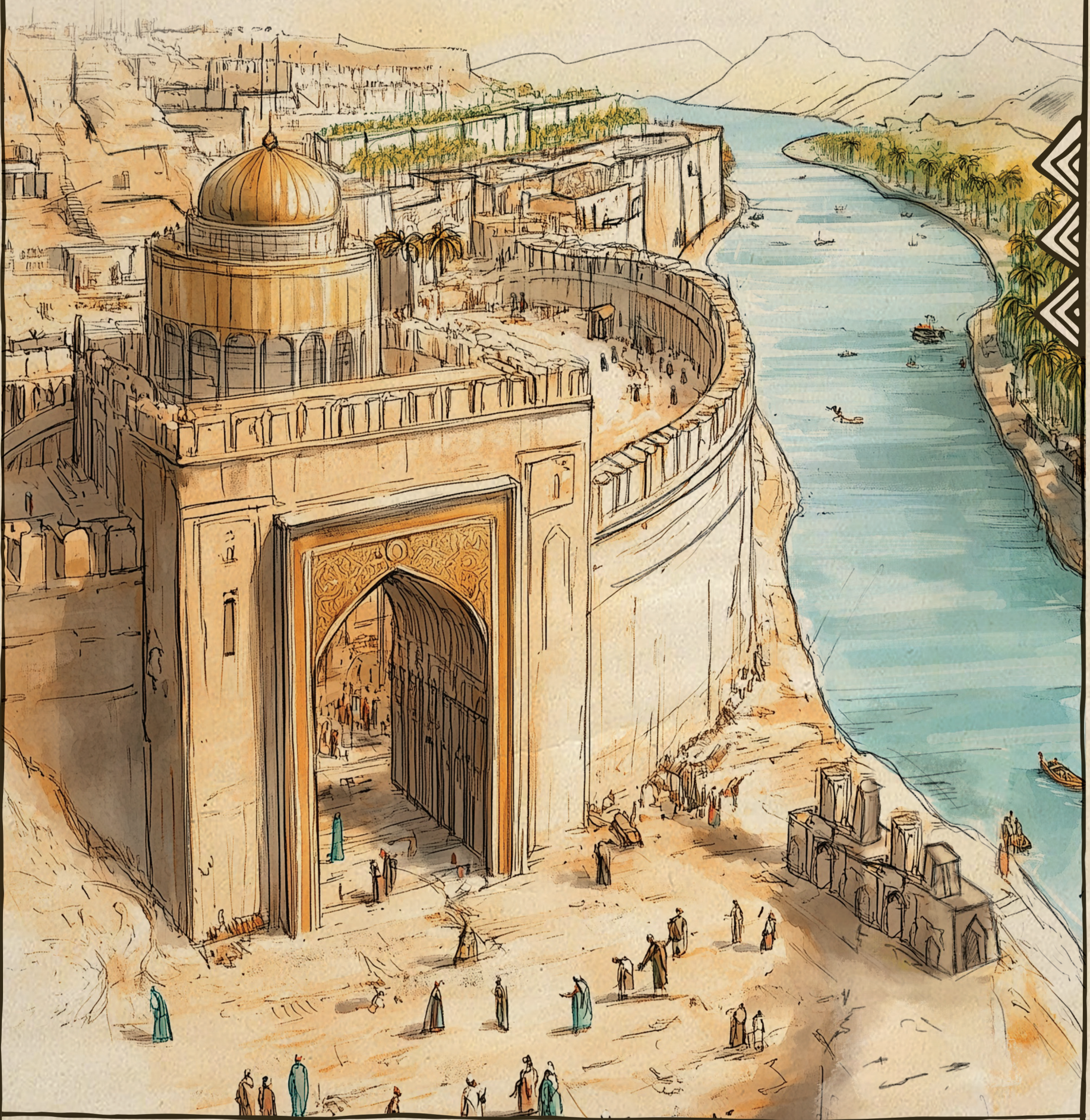


* بازآفرینی تصویری از دستی به همراه قرآن به نشانهٔ ورود اسلام به ایران.

آل بویه

در اولین سال‌های عبور از ایران باستانی به ایران اسلامی، خاک ما بخشی از یک فرمانروایی بسیار بزرگ بود که پادشاهان ظالم اموی یعنی فرزندان ابوسفیان بر آن حکومت می‌کردند. در آن روزگار، پدران ما به خانواده پاک پیامبر پناه دادند و ایران سرزمین امامزادگان شد. بعد از یک قرن، ایرانیان مسلمان برای کنار زدن سلطه یزیدیان به پا خاستند و عباسیان با تکیه بر ایمان و شجاعت ایرانیان، فرمانروایان سرزمین‌های اسلامی شدند. اما آنان نیز راه گذشتگان خود را پیمودند و رسم ناجوانمردی با این آب و خاک را در پیش گرفتند.

در نتیجه، پدران ما، همچنان که اسلام را به سینه می‌فشردند، بیگانگان را از وطن راندند و تا تصرف پایتخت امپراطوری عباسی، پیش رفتند. پسران بویه، ماهیگیران مازندرانی، اولین حاکمان ایرانی در بغداد بودند.



* بازآفرینی تصویری از بغداد قرن چهارم هجری دوران فرمانروایی ایرانیان آل بویه.



» مغول‌ها

کوه‌های بلند و سروهای سبز ایران، روز و روزگاری سیاه‌تر از حمله مغولان در حافظه خود ندارند. اسب‌سواران وحشی و به دور از ایمان و فرهنگ، آمدند و گدندند و سوختند و گشتند و رفتند. چه شهرهای آبادی که خاکستر شد؛ چه روستاهای سرسبزی که ویران شد؛ چه جان‌های نازنینی که از دست رفت؛ چه کتاب‌ها و کتاب‌خانه‌هایی که سوخت و سرزمینی که در غم و اندوه فرو رفت. اما ایران ریشه‌دارتر از آن بود که در تاریخ گم شود. چشمه‌ها دوباره جوشید و سروها دوباره رویید.

* بازآفرینی تصویری از چنگیزخان مغول.

گمبرون

فرمانروایان صفوی، با همراهی سربازان فداکار و با ایمان وطن، بعد از قرن‌ها دوباره نام سرزمین ایران را بر سر زبان‌ها انداختند. شهرهای پرجمعیت، بازارهای پررونق، راه‌های ایمن و آبادی‌های پربرکت. قدر و قیمت دانشمندان و هنرمندان بالا و دست دشمنان از زندگی مردمان کوتاه.

در جنوب ایران اما استعمارگران غربی به نگین انگشتر دنیا، جزیره و گذرگاه هرمز چشم طمع داشتند. پس با درایت فرمانروایان و رشادت فرماندهان، جنگاوران ایرانی فرش هرمز را از زیر پای پرتغالی‌ها کشیدند و پرچم ایران را بعد از صد سال بر فراز گمبرون برافراشتند. به افتخار این فتح، گمبرون را بندر [شاه]عباس و دهم اردیبهشت را روز ملی خلیج فارس نامیده‌اند.



* بازآفرینی تصویری از آزادسازی بندر گمبرون (بندرعباس فعلی) از دست پرتغالی‌ها.

ترکمانچای»

در دوران جدید، تزارهای روسیه برای رسیدن به آب‌های گرم دریاهای جنوب تلاش زیادی کردند. آن‌ها به فکر تصاحب ایران و گذاشتن پایشان در خلیج فارس بودند. اما دلاوری مردمان آذربایجان، بیگانگان را برای همیشه از این خواب پریشان بیدار کرد؛ جلوی پیشروی قوای روس را گرفت و تبریز را از چنگ آنان بیرون کشید. هر چند در نبردهای ایران و روس، غفلت فرمانروایان و ضعف لشکریان باعث شد تا بخش‌های مهمی از ایران در قرارداد گلستان و ترکمانچای از دست برود؛ اما از آن روز تا امروز، ارس همچنان مرز ایران باقی مانده است.



* بازآفرینی تصویری از معاهده ترکمانچای ۱۸۲۸ میان ایران و روسیه.

قحطی

وقتی در اولین جنگ جهانی، غربی‌ها دنیا را به آتش کشیدند، شعله‌های جنگ دامن خاک ما را گرفت و تن مظلوم وطن گرفتار قحطی و بلا شد.

در آن روزها برای دفاع از وطن، نه تدبیری در بزرگان بود و نه قوتی در مردمان. مهاجمان بیگانه از گندم و جو تا گاو و گوسفند این آبادی را به غارت بردند و کسی یارای سخن هم نداشت. بنا به نقلی، از هر سه نفر زن و مرد ایرانی، یک نفر در این مصیبت، جان باخت و بیماری و ناامنی سرتاسر ایران را فرا گرفت.

کمتر کسی باور می‌کرد که دیگر در این ماتم‌سرا، سبزه‌ای بروید و گلی جوانه بزند. اما سروهای آزاده ایرانی ریشه‌دارتر از این مصیبت بودند.



* بازآفرینی تصویری از قحطی بزرگ ایران در جنگ جهانی اول، فاجعه‌ای که به دست انگلیسی‌ها رقم خورد.



» میرزا کوچک خان

در زمانه اشک از ویرانی وطن و ناله از سلطه بیگانگان، خون جوانمردانی پاک در دل جنگل‌های گیلان خروشید و آن‌ها را از کشاورزی و دامداری و ماهیگیری به سوی تفنگ‌داری و نبرد تن به تن و جانبازی برای مردم کشاند. میرزا کوچک خان و یارانش در سال‌های جنگ اول جهانی با دست‌های خالی از یک سو با سربازان اشغالگر تزار روسیه و از سوی دیگر با مهاجمان بریتانیایی جنگیدند. از دشمن داخلی هم، طعن و لعن شنیدند و هم زخم کینه چشیدند و دست آخر، سر خود را برای سربازی وطن دادند. در نهضت جنگل، درختان زیادی در خون خود غلتیدند، اما جنگل از پا نیفتاد.

* بازآفرینی تصویری از یونس استاد سرایی ملقب به میرزا کوچک خان.

» جنگ جهانی

فقط صد سال از آن روزی گذشته که سربازان شوروی و بریتانیا و آمریکا وارد تهران شدند و پل پیروزی خود را در جنگ دوم جهانی، روی شانه مردم ایران برپا کردند.

ارتشی که ارتش نبود و فرمانروایی که فرمانروا نبود و دولتی که دولت نبود؛ در چشم به هم زدنی زانو زد و فرار کرد و پرچم سفید تسلیم را بالا برد.

در حافظه سرو دیرپای ایران، خاطره شهریور ۱۳۲۰ در کنار خاطرات اسارت وطن در چنگ چنگیز و اسکندر نشسته و رد اشک آن بر صورت غبار گرفته ایران باقی مانده است؛ اما روان و زبان ما ترجیح می‌دهد برای یادآوری آن روزهای تلخ، نوای شیرین و هنرمندانه «ای ایران ای مرز پرگهر» را بخاطر بیاورد. ما در این هزاران سال آموخته‌ایم که این‌گونه از سختی‌ها عبور کنیم.



* بازآفرینی تصویری از ورود قوای هندی ارتش انگلیس برای اشغال ایران به دست متفقین در سال ۱۳۲۰.



کنفرانس تهران

روزی که نقشه تقسیم دنیای بعد از جنگ جهانی دوم در تهران کشیده شد؛ می‌توانست روزی افتخارآفرین برای ما باشد؛ روزی که می‌اندازی ایران در معادلات جهانی، توجه سردمداران و قدرتمندان را به این خاک جلب کرد. اما افسوس که استالین و چرچیل و روزولت، از شوروی و بریتانیا و آمریکا، نه در قامت مهمان که در لباس متجاوز، از شرق و غرب دنیا در پایتخت ما دور هم جمع شدند؛ نه به ما خبری دادند و نه از ما نظری پرسیدند. از این وطن پرافتخار در آن روزهای سرافکندگی و اشغال، تنها یک موقعیت ممتاز جغرافیایی باقی مانده بود که پل پیروزی متفقین شد. نه از غنایم جنگی چیزی نصیبمان شد و نه از افتخارات فاتحان. آنچه چون تبر به تنه این سرزمین باقی ماند، وابستگی و ویرانی بود.

* بازآفرینی تصویری از کنفرانس تهران ۱۳۲۲ با حضور استالین، روزولت و چرچیل.

► ماجرای نفت

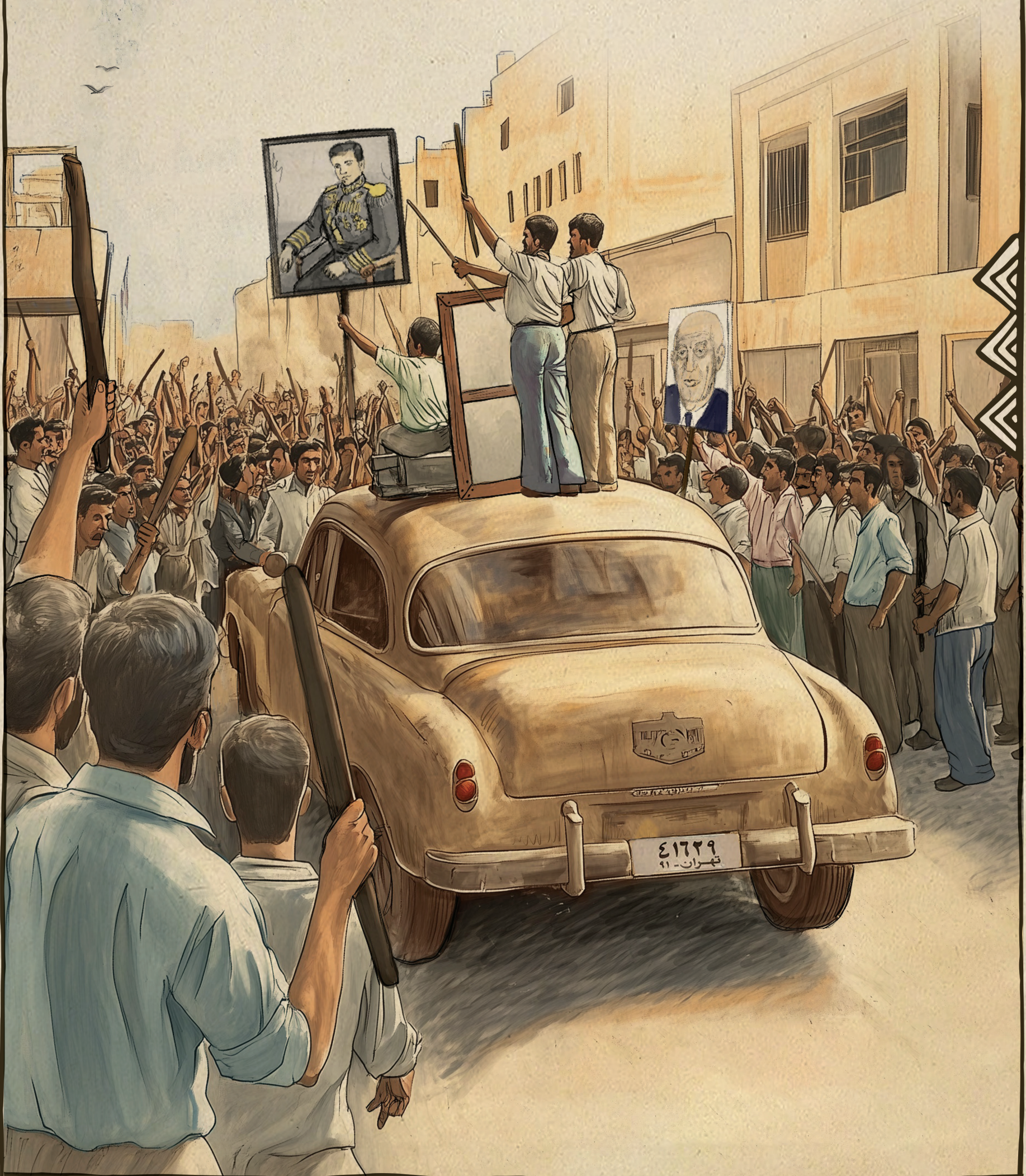
خاک وطن طلاست؛ این را هزاران سال است که می‌دانیم. برکت آب و درختان و کوه و دریا بر ما روشن است. اما از زیر این خاک بی‌خبر بودیم؛ تا اینکه نفت از دل زمین بیرون زد و دوباره چشم طمع بیگانگان را به این سرزمین خیره کرد. انگلیس پنجاه سال نفت ایران را به یغما می‌برد و چیزی از سود آن نصیب ما نمی‌شد. زمانی که وقت تغییر رسید، اتحاد بزرگان و مردمان، مؤمنان و باغیرتان، ثروتی را که از آن وطن بود به اهلش برگرداند. این مبارزه اما کم‌هزینه نبود. مردان دین و سیاست و فرهنگ یکصدا شدند تا حق به حق‌دار برسد و مردم به خیابان آمدند تا حرف حق به کرسی بنشیند. خون دادند تا نفت را پس بگیرند.



* بازآفرینی تصویری از دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی نماد جنبش ملی شدن نفت در ۱۳۲۹.

کودتا

تا بوده همین بوده. ایستادگی و آزادی مظلومان، با خشم و کینه ظالمان رو در رو می‌شود و هرزمان ریسمان وحدت بین مردمان گسسته شود، دشمنان از روبرو و از پشت حمله می‌کنند و صف مجاهدان را درهم می‌شکنند. قدرتمندان غربی، نفت ایران را برای خود می‌خواستند و ملی شدن نفت برایشان گران تمام می‌شد. پس با مکر و حيله و وسوسه در دل‌های مردم تفرقه افکندند و آن‌گاه با زر و زور بر ایران غالب شدند. بعد از این کودتا، خردمندان دوراندیش دریافتند که مکر دشمنان بی‌پایان است و تنها رمز پیروزی، اتحاد ملت است.



* بازآفرینی تصویری از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق.

انقلاب اسلامی ایران

پس از قرن‌ها انتظار، آفتاب بیداری مردم ایران در صبحی زمستانی از مشرق سرنوشت طلوع کرد و سروهای آزاده قد کشیدند و دست بیعت به خورشید دادند.

در بهمن ۵۷، الهی‌ترین برگ تاریخ این سرزمین ورق خورد و برق شادی در چشم‌های پیر و جوان درخشید. مؤمنان و منتظران، جلوه‌ای از برکت ظهور را نوشیدند و طاغوتیان و منافقان، طعم شمشیر عدالت را چشیدند. انقلاب اسلامی مردم ایران، انقلابی بود در جسم و جان، انقلابی در تن و روان. انقلاب خمینی، انقلاب همه‌ی مستضعفان تاریخ بود.



* بازآفرینی تصویری از میدان آزادی تهران در بهمن ۱۳۵۷ نماد پیروزی انقلاب اسلامی.

» دفاع مقدس

در تلاطم سال‌های گذر از طاغوت و در حین خروش اسلامی مردم ایران، ارتش بعثی صدام، خواب فتح هفت‌روزه تهران را دیده بود. وقتی مرزها را شکستند و خوزستان را به آتش کشیدند، غرب وطن لرزید و قلب مجاهدان به درد آمد. جوانان و نوجوانان این سرزمین، جوانمردان و پهلوانان، به فرمان رهبرشان به میدان شتافتند و حماسه دفاع را رقم زدند. جنگ هشت ساله تحمیلی نه با همسایه متجاوز، که با همه زورمندان و زورگویان دنیا بود. چقدر زخم خوردیم و خم نشدیم، چقدر داغ دیدیم و کم نیاوردیم و چقدر خون پاک بر خاک ریخت و مшти خاک به دشمن ندادیم. چه گل‌هایی که رویدند و چه سروهایی که قد کشیدند.



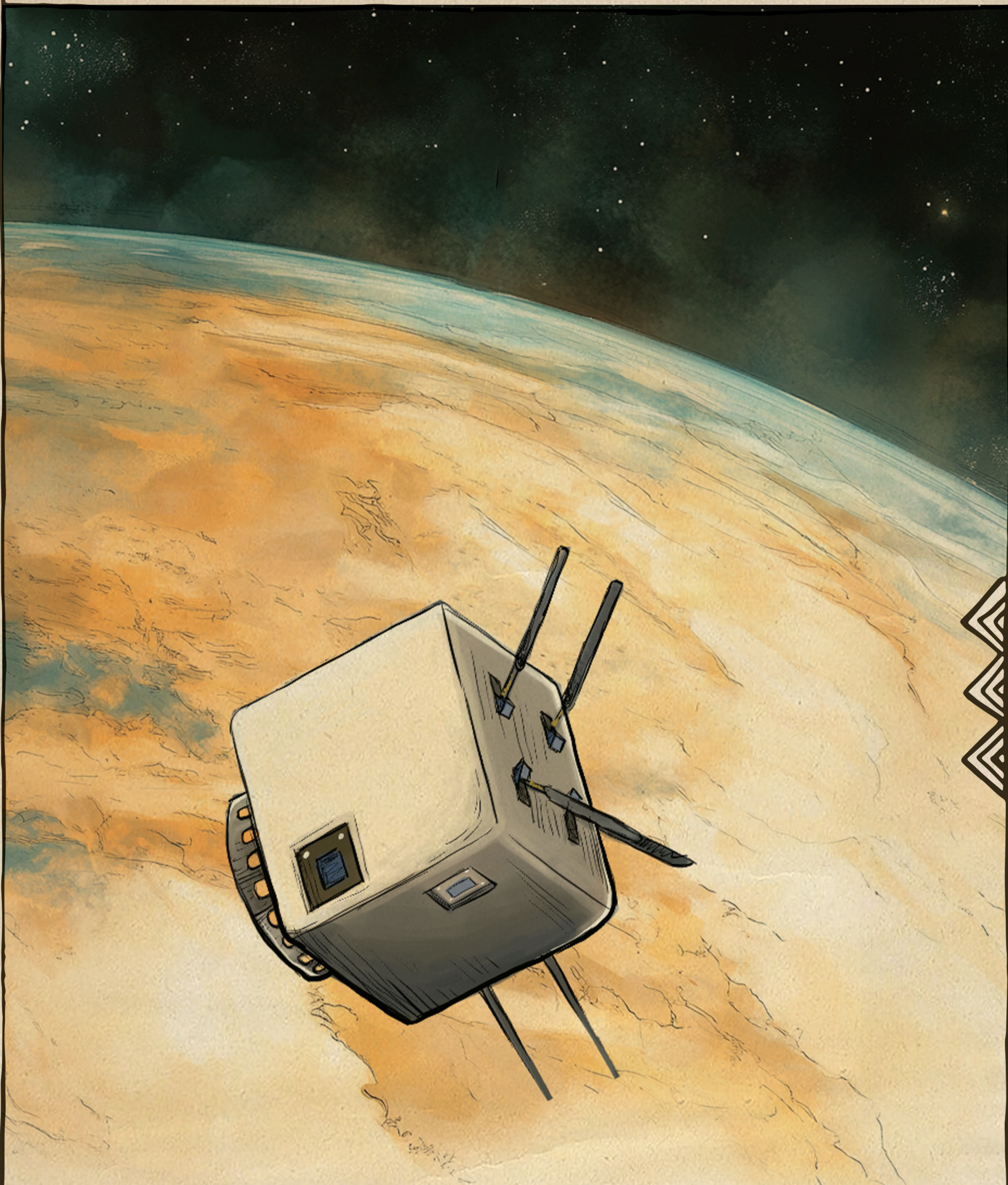
* بازآفرینی تصویری از نخستین روزهای جنگ عراق علیه ایران در ۱۳۵۹.

خرمشهر

خرمشهر، عروس ایران در چنگ دشمن بود. شهری عزیز که سی و چهار روز در مقابل لشکر بعثی، مقاومت کرد و ناجوانمردانه اسیر شد. مدافعان شهر آنچه در توان داشتند گذاشتند و نشد. خرمشهر، خونین شهر شد و سقوط کرد. جوانمردان و پهلوانان ایران زمین، نوزده ماه تمام خون دل خوردند و به در بسته شهر کوبیدند تا خرداد ۶۱ حصار دشمن فرو ریخت و خرمشهر را خدا آزاد کرد. پایان این جنگ جز سرافکندگی دشمن و سربلندی مردم ایران نبود. پایان دفاع مقدس، آغاز ایرانی قوی بود.



* بازآفرینی تصویری از مسجد جامع خرمشهر پس از سوم خرداد ۱۳۶۱ با نشانه‌های گلوله و ترکش بر دیوارها.



امید ▶▶

آخرین پیامبر خدا بشارت داده بود که دانش اگر در ثریا باشد، مردانی پارسی به آن دست خواهند یافت؛ مردانی از قبیلهٔ سلمان. برای تحقق این بشارت، قرن‌ها انتظار لازم بود تا مردانی از قبیلهٔ سلمان برای آن‌که به ثریا برسند به دانشی در قلّه‌ها دست بیابند. ساختن ماهوارهٔ امید و همهٔ ماهواره‌های ایرانی و پرتاب ماهواره‌بر سفیر و همهٔ ماهواره‌برهای ایرانی جلوه‌ای از ایمان و دانش جوانمردان این سرزمین است. مردانی که برای آزاده بودن، چراغ دانش خود را روشن کردند و برای ایستادگی و مقاومت، بر اسب فناوری سوار شدند.

* بازآفرینی تصویری از ماهوارهٔ ایرانی امید که در سال ۱۳۸۷ پرتاب شد.



دور دنیا ▶▶

کرهٔ خاکی پوشیده از آب است و فرمانروایان غربی، تمدن خود را از طریق غلبه بر آب‌ها توسعه داده‌اند. ضعف شاهان و حاکمان این سرزمین، برای صدها سال دست ما را از دریاهای دنیا کوتاه کرده بود. ملوان ایرانی که در عهد باستان، فرمانروای دریای هند و عرب بود، در خیال بیرون رفتن از دریای پارس، قرن‌ها به آب چشم دوخت؛ چون شمع از حسرت سوخت و آب شد. تا این‌که در روزگار ما، دلاوران و جنگاوران ایرانی، به فرمان ناخدای پیر خود، کشتی‌ها را به آب انداختند و دل به دریا زدند. اقیانوس‌ها و تنگه‌ها را سپری کردند؛ از مشرق تا مغرب را گردیدند و بعد از هشت ماه به خانه برگشتند. دریانوردی آزاد از نشانه‌های بالندگی و توانمندی وطن است.

* بازآفرینی تصویری از سفر ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ اولین سفر ایرانی‌ها به دور دنیا در سال ۱۴۰۱.



» وعده صادق

در آخرین برگ تاریخ، شیطان بزرگ، خود از لانه بیرون خزید تا حریف مردم ایران باشد. فریب داد؛ پیمان شکست؛ شبیخون زد؛ ترور کرد؛ ترساند؛ به آتش کشید و غارت کرد. تندباد در تن سرو ایران پیچید و شاخه‌هایی را شکست. پرنده‌گانی پر کشیدند و ترانه‌هایی ناسروده ماندند.

ایران قوی اما، معجزه‌ای در آستین داشت. برقی در آسمان درخشید و رعدی از دل زمین برخاست. حیلۀ دشمن به خودش برگشت و حمله او ناتمام ماند. خاک دشمن زیر و رو شد و دود از دودمانش به هوارفت.

در چرخش چرخ روزگار و پیچش مسیر تاریخ، پیمان راستین ایرانیان با خدا این است که ظالم نباشند و دست از یاری مظلوم بر ندارند. این، راه و رسم ایستادگی و آزادگی است. این، حکایت سرو است.

* بازآفرینی تصویری از حرکت موشک‌های ایرانی از بالای قبة الصخره مسجدالاقصی به سوی اراضی اشغالی.